

شاخص‌های راهبردی حوزه فرهنگی سبک زندگی

از منظر مقام معظم رهبری^(مدظله)

داود محمدی

چکیده

در سیر مطالعه بیانات نظری و سبک عملی زندگی مقام معظم رهبری^(مدظله) ابعاد گوناگونی وجود دارد که برای شناخت جامع سبک زندگی اسلامی ایرانی نباید از هیچ کدام از این ابعاد غفلت ورزید. با این توصیف محدودیت حوزه تحقیقاتی و درک قاصر را می‌توان به عنوان موانع اصلی در تحقق جامعیت این تحقیق به شمار آورد. به هر حال محقق با بررسی پیشینه تحقیقاتی موجود در سطح کشور به این نتیجه رسید که سبک زندگی از منظر مقام معظم رهبری موضوعی است که علی‌رغم برخورداری از جایگاه راهبردی در نظریه انقلاب اسلامی، کمتر مورد کاوش قرار گرفته است؛ بنابراین هم اکنون که مقام معظم رهبری در قامت یک نظریه پرداز مسلط به آرمان‌ها و واقعیت‌های موجود کشور و جهان اسلام پس از به صدا در آوردن کلیدواژه‌هایی مانند «تهاجم، شبیخون و ناتوی فرهنگی»، «عبرت‌های عاشورا و بحث خواص و عوام»، «جنبش نرم‌افزاری، تولید علم و نهضت آزاداندیشی» و ... در حوزه مباحث فرهنگی کشور، موضوع سبک زندگی را به عنوان مهم‌ترین الزام در ورود به مرحله چهارم از مراحل پنجگانه (۱) انقلاب اسلامی (۲) نظام اسلامی (۳) دولت اسلامی (۴) جامعه اسلامی و (۵) دنیا و تمدن نوین و شکوهمند اسلامی، مد نظر قرار داده و در مناسبت‌های مختلف به آن اشاره نموده‌اند، شایسته است که شاخص‌های راهبردی مورد نظر در این حوزه نیز از بیانات معظم‌له مشخص شود. به عبارت دیگر با توجه به اینکه، رسیدن به سبک زندگی مطلوب اسلامی ایرانی و ارزیابی سبک زندگی موجود در جوامع مسلمان در گرو دانستن شاخص‌های زندگی اسلامی است، پس این تحقیق با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل محتوای سخنان مقام معظم رهبری که مهم‌ترین منبع استخراج شاخص‌های سبک زندگی اسلامی ایرانی به شمار می‌روند، به تعیین شاخص‌های راهبردی سبک زندگی اجتماعی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، شاخص‌های راهبردی، فرهنگی

(۱) بیان مسأله

مفهوم سبک زندگی به عنوان مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنشی افراد که دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد، بدان جهت که مبین ابعاد هنجاری و رفتاری زندگی اجتماعی از یک طرف و نظام باورها و ارزش‌های حاکم بر جوامع، از طرف دیگر می‌باشند؛ در چارچوب موضوعات راهبردی تحقق جامعه آرمانی قرار می‌گیرند. به همین دلیل مقام معظم رهبری موضوع «سبک زندگی» را مطرح و آن را از مهم‌ترین نیازهای جامعه و نظام اسلامی قلمداد نموده‌اند. علاوه بر وجود این جایگاه برای مقوله سبک زندگی (آنچنانکه به آن اشاره گردید)، ارائه نگاه تخصصی و حرفه‌ای به مطالعات فرهنگی، خود به تنهایی می‌تواند، مقوله مهم و محوری در لحاظ کردن جایگاه راهبردی این حوزه برای طراحی چشم‌اندازهای فرهنگی و اجتماعی باشد. در واقع با به کارگیری مفهوم سبک زندگی و ژرف‌اندیشی و تعمیق درباره مفهوم آن می‌توان هنجارها، باورها و رفتارهای مردم یک جامعه را سامان بخشید و به اصلاح جهت‌گیری‌ها و الگوهای موجود یا در حال شکل‌گیری آتی جامعه، به نحو واقع‌بینانه‌ای اقدام نمود. از این روست که رهبر معظم انقلاب در بحث سبک زندگی به مصادیق و سؤالات دقیق و جزئی و عینی و تفصیلی روی آوردند.

مقاله حاضر پس از تبیین و تعریف نقش و جایگاه سبک زندگی در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، به مبانی و شاخص‌های راهبردی سبک زندگی از دیدگاه مقام معظم رهبری می‌پردازد.

(۲) مفهوم سبک زندگی

«سبک زندگی» از جمله واژگانی است که دیدگاه‌ها و تعاریف مختلف و گاه متضادی پیرامون آن وجود دارد. در زبان‌های گوناگون از ترکیب سبک زندگی در شکل‌های مختلفی یاد شده است. در زبان انگلیسی به دو شکل «Style of Life» و «Lifestyle» استفاده شده است (شکاری، ۱۳۸۹: ۵۳۸). معنای لغوی واژه «زندگی»

روشن است، اما در لغتنامه‌ها معانی گوناگونی برای واژه «سبک» درج شده است: نوع، روش، طرز و شیوه (معین، ۱۳۸۵: ۱۸۱۸)، سبک اثاثیه، شکل دادن یا طراحی چیزی مطابق با معیار شناخته‌شده، شیوه‌ای که برازنده و متناسب پنداشته می‌شود، به خصوص در رفتار اجتماعی، نحوه عرضه، در موسیقی یا یکی از هنرهای زیبا و شیوه مشخص تعبیر در نوشتار یا گفتار (آریان‌پور، ۱۳۸۹: ۱۴۳۷؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۴۱۲).

در تعریف «سبک زندگی» نیز با تعاریف متعددی روبه‌رو هستیم. در یک تعریف می‌خوانیم: «روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ و نیز روش خاصی از زندگی یک شخص و یا گروه». همچنین «شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه» و نیز «عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و غیره که با هم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد»، به عنوان تعریف «سبک زندگی» آمده است (به نقل از: مهدوی کنی، ۱۳۸۶).

سبک زندگی به الگوهای رفتاری آحاد جامعه در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... که برآمده از بینش و گرایش خاص است، اطلاق می‌شود. با این حساب، مقصود از «سبک زندگی اسلامی ایرانی»، الگوهای رفتاری متدینان و مسلمانان ایرانی در حوزه‌های مختلف زندگی است که برآمده از بینش و جهان‌بینی دینی اسلامی و نیز مبتنی بر گرایش‌ها و ارزش‌های فرهنگ ایرانی می‌باشد. از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز «سبک زندگی عبارت است شیوه زیستن و رفتار اجتماعی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳)؛ مانند شیوه زیستن در «خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف و...».

۳) نقش و جایگاه سبک زندگی در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی

فرایند انقلاب اسلامی و مراحل تحقق آرمان‌های آن، تا دستیابی به الگوی جامع انقلاب و در نهایت، تشکیل تمدن اسلامی، از سوی مقام معظم رهبری تبیین شده

است. ایشان روند تکاملی انقلاب اسلامی را به پنج مرحله تقسیم فرمودند: «فرایند تحقق انقلاب اسلامی همین طور، قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود... این فرایند یک فرایند طولانی و البته دشوار است که انسان به طور نسبی به آن اهداف نزدیک می‌شود، اما تحقق آنها خیلی طولانی است» (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۰/۹/۱۲).

بر این اساس، مرحله اول از این فرایند، پیروزی شکوهمند ملت ایران در مقابل رژیم پهلوی و «ایجاد انقلاب اسلامی» بوده است که هرچند کار بسیار مهم و پرهزینه‌ای بود، اما در مجموع نسبت به مراحل بعد جزء آسان‌ترین مراحل به شمار می‌رود: «قدم اول که پرهیجان‌ترین و پرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است؛ کار آسانی بود، لیکن این آسان‌ترین است. این انقلاب اولین سخنش این بود که دوران حاکمیت ارزش‌های معنوی آغاز شده است؛ یک تحول بنیادین بر اساس یک سلسله ارزش‌ها» (مقام معظم رهبری: ۱۳۷۹/۲/۲۳).

مرحله دوم از فرایند تحقق آرمان‌های اسلامی در بستر انقلاب، تأسیس نظام اسلامی است. مقام معظم رهبری تحقق این مرحله را به معنای اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه دانسته‌اند. در حقیقت، با تدوین قانون اساسی انقلاب اسلامی که منشور اصلی و محوری جمهوری اسلامی است، ارکان جامعه اسلامی مهندسی شد، این قانون که تبلور ارزش‌های اسلامی است و منطبق با احکام اسلامی تدوین شده، به مثابه ستون فقرات نظام اسلامی است و مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام اسلامی تلقی می‌شود.

اما مرحله سوم که مرحله‌ای حساس به شمار می‌رود و از دو گام پیشین دشوارتر است، «ایجاد دولت اسلامی» است. «تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی، تشکیل منش و روش دولتمردان به گونه اسلامی است» (مقام معظم رهبری: ۱۳۷۹/۹/۲۱). البته منظور از «دولت» در اینجا تنها به معنای هیأت دولت و وزیران نیست، بلکه مجموعه کارگزاران حکومت را در بر می‌گیرد.

پس از شکل‌گیری دولت اسلامی، ثمره این دولت، تالّو و تشعشع نظام اسلامی خواهد بود؛ بدین معنا که کارویژه اصلی دولت اسلامی، «ایجاد کشور اسلامی» می‌باشد که خود مرحله چهارم فرایند تحقق انقلاب اسلامی به شمار می‌رود: «اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن وقت کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد، عدالت مستقر خواهد شد، تبعیض از بین خواهد رفت، فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود، عزت حقیقی برای آن مردم به وجود می‌آید، جایگاهش در روابط بین‌المللی ارتقا پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن گاه برای مسلمانان عالم، الگو و اسوه می‌شویم، «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم، آن گاه مرحله بعدی ایجاد دنیای اسلام است». به این ترتیب، مرحله نهایی انقلاب و در حقیقت، تحقق آرمانی‌ترین شعار انقلاب، «ایجاد دنیای اسلام» و دستیابی به تمدن عظیم اسلامی خواهد بود (مقام معظم رهبری: ۱۳۷۵/۹/۱۹).

در واقع، سبک زندگی اسلامی یکی از ارکان و اجزای مهم و ضروری مرحله چهارم از فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، یعنی «کشور اسلامی» است. از سوی دیگر، نهادینه شدن سبک زندگی و گسترش و اشاعه آن به جوامع اسلامی دیگر در کنار الگوهای اداره جوامع و نظام‌سازی‌های دینی، ارکان اساسی برای ایجاد «دنیای اسلام» و «تمدن اسلامی» خواهد بود. باید تلاش نمود تا سبک زندگی غربی که بی‌محابا تمامی دنیای اسلام را کم و بیش درنوردیده، کنار نهاد و با یکپارچه‌سازی سبک زندگی دینی درصدد ایجاد تمدن اسلامی برآمد.

از سوی دیگر، نهایی‌ترین و اساسی‌ترین هدف سبک زندگی اسلامی، ساخت تمدن اسلامی است که ایشان به عنوان یک نظریه‌پرداز دینی بدان می‌پردازند: «سرنوشت حتمی عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند و خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است» (بیانات در تاریخ ۱۳۷۴/۵/۳).

۴) مبانی و اصول سبک زندگی اسلامی در اندیشه رهبر معظم انقلاب

نگاه مقام معظم رهبری به مسأله سبک زندگی اسلامی مبتنی بر مبانی و اصولی خاص است که بدون شناخت آن مبانی، نمی‌توان تصویری صحیح از دیدگاه ایشان ارائه نمود و به عمق دیدگاه‌های ایشان نسبت به سبک زندگی اسلامی پی برد.

الف) اصالت اسلام‌محوری در سبک زندگی

مهم‌ترین مبنا در میان مبانی سبک زندگی اسلامی ایرانی، اصل اسلام‌محوری در سبک زندگی است. بر اساس این نگاه به سبک زندگی، آموزه‌های اسلامی به عنوان چارچوب‌های اصلی تصویر سبک زندگی به شمار می‌آید. به طوری که رهبر انقلاب نیز معتقدند: «اسلام مورد نظر ما، همان اسلامی است که امام عزیز در طول زندگی‌اش از آن دم زد و در ده سال درخشان آخر عمرش، با تمام وجود خود برای آن سرمایه‌گذاری کرد؛ اسلامی که او به ما آموخت و در راه آن حرکت کرد. همه باید بر گرد محور اسلام و خط امام، متحد و مهربان باشند و با یکدیگر همکاری کنند تا هیچ مشکلی بر سر راه ما باقی نماند».

از منظر مقام معظم رهبری خاتمیت و جامعیت از مهم‌ترین ویژگی‌های خاص دین اسلام است. از این منظر، اسلام دینی است برای تمامی انسان‌ها تا انتهای تاریخ؛ آنچنان که می‌فرماید: «امروز همه بشر محتاج قرآنند. اما ما مسلمانان اگر به قرآن عمل نکنیم، خسارت ما بیشتر از دیگران است؛ چون ما این نسخه و دستورالعمل را داریم، تجربه تاریخی آن را هم داریم. بشریت در صدر اول به برکت عمل به قرآن در علم، در اخلاق، در عمل و در پیشرفت‌های گوناگون مادی و معنوی اوج پیدا کرد. قرآن همیشه زنده است».

در دیدگاه ایشان اسلام، متولی تکامل بشر در همه شئون فردی، اجتماعی و همه نیازهای مادی و معنوی انسان است. دین اسلامی نظامی است خواستار اجرای عدالت در همه امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجرای قوانین الهی

برای سوق دادن جامعه به قرب الهی، پالایش اخلاقی، اعتقادی و رفتاری همه افراد جامعه و اعتدال و اعتلای همه ساحت‌های جامعه.

ب) نگرش آرمان‌گرایی همراه با واقع‌نگری

سبک زندگی از منظر مقام معظم رهبری به مانند تمامی مفاهیم راهبردی جامعه اسلامی ایرانی در چارچوب اصل آرمان‌گرایی همراه با واقع‌نگری قابل تفسیر است. معظم‌له در باب اهمیت حاکمیت این نگرش می‌فرمایند:

«در نگاه به مسائل کشور... بایستی دو خصوصیت «آرمان‌گرایی» و «واقع‌بینی» را در نظر داشت. نگاهتان آرمان‌گرا باشد، از آرمان‌ها پایین نیایید، کوتاه نیایید، نگاه باید نگاه آرمانی باشد، منتها با توجه به واقعیت، سقفی را معین می‌کنیم، منتها تکلیفی را که برای خودمان ... معین خواهیم کرد، بایستی با توجه به واقعیت‌های موجود باشد، ... واقع‌گرایی به معنایی که در مقابل آرمان‌گرایی است، مطلوب نیست، ملاک این است که ما می‌خواهیم به آرمان‌ها برسیم، منتها در کنار این، واقع‌بینی لازم است، نباید دچار توهم شد، گاهی ممکن است انسان در تصمیم‌گیری در آنچه باید انجام بگیرد، دچار توهم باشد، خوب این غلط است آرمان‌ها را باید در نظر داشت، پله‌ها را باید مطابق با واقعیت‌هایی که وجود دارد یکی پس از دیگری چید و به سمت آن آرمان‌ها پیش رفت» (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۹/۰۳/۱۸).

۵) شاخص‌های راهبردی سبک زندگی از منظر مقام معظم رهبری

رسیدن به سبک زندگی مطلوب اسلامی ایرانی و ارزیابی سبک زندگی موجود در جوامع مسلمان در گرو دانستن شاخص‌های زندگی اسلامی است. بنابراین با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری که مهم‌ترین منبع استخراج شاخص‌های سبک زندگی اسلامی است، ضمن تعیین ابعاد مربوط، اقدام به تعیین شاخص‌های راهبردی سبک زندگی اجتماعی می‌شود.

الف) اسلام‌محوری در سبک زندگی

نظام اسلامی‌ای که امام در این کشور تشکیل داد و به وجود آورد، عبارت از این است که شکل زندگی این ملت، قالب و معنای اسلامی پیدا کند و جهت‌گیری، اسلامی باشد (بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی^(ره): ۱۳۷۳/۰۳/۱۴).

«در اسلام، تکلیف مسلمانان را در معاشرت، در کیفیت زندگی فردی، در خورد و خوراک، در لباس پوشیدن، در درس خواندن، در روابط با حکومت، در روابط با یکدیگر و در معاملاتشان معین کرده است. ما نمی‌خواهیم اینها را از غربی‌ها یاد بگیریم و از آنها تقلید کنیم. جمهوری اسلامی، از اول این را نشان داد» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران: ۱۳۶۹/۰۱/۱۰).

«اگر در جوامع بشری قرآن حاکم باشد، هم سعادت دنیا هست، هم علو معنوی هست. راه سلامت را، راه امنیت را، راه امنیت روانی را، قرآن به روی ما باز می‌کند؛ راه عزت را قرآن به روی ما باز می‌کند؛ راه زندگی درست را و سبک زندگی سعادت‌آمیز را قرآن به روی ما باز می‌کند. ما از قرآن دوریم. اگر با قرآن آشنا شویم، با معارف قرآن انس پیدا کنیم و فاصله خودمان را با آن چیزی که قرآن برای ما خواسته است، بسنجیم، حرکت ما سریع‌تر خواهد بود؛ راه ما روشن‌تر خواهد بود؛ هدف این است» (بیانات در دیدار با شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم: ۱۳۹۰/۰۳/۱۸).

بر همین اساس باید در تمام برنامه‌های راهبردی که در حوزه فرهنگ به ویژه در ارائه سبک زندگی اسلامی مطرح می‌شود به مقوله اسلام‌محوری توجه ویژه و راهبردی داشت و بر مبنای آموزه‌های قرآن و عترت عمل نمود. مهم‌ترین شبهه‌ای که در این زمان نه تنها نسبت به نظام اسلامی، که در خصوص اصل اسلام از سوی دشمنان مطرح می‌شود، شبهه «اسلام در عمل» است. نظام اسلامی با شعار حاکمیت دین در عمل به صحنه جهانی پای گذاشته و باید بتواند با ارائه الگوهای رفتاری دینی در تمامی حوزه‌های زندگی بشری و سبک زندگی تمام‌عیار اسلامی،

به این شعار خود جامه عمل بپوشاند: «یکی از مهم‌ترین مسائلی که امروز بیشترین تلاش خصمانه مصروف آن می‌شود، این است که نظام اسلامی در اندیشه و عمل، متهم به ناکارآمدی شود. پیکاری وسیع در زمینه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اندیشه از سوی مراکز استکباری در جریان است تا نظام اسلامی در افکار کشورهای مسلمان به ناتوانی متهم شود و درخشش و جذابیت خود را از دست بدهد» (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۰/۰۶/۱۹).

«یکی از عیوب ما و جوامع ما در طول زمان این بوده است که گاهی فرهنگ خود را متأثر می‌کردیم از فرهنگ بیگانگان. کسانی این را در میان جامعه ما و کشور ما به عمد ترویج کردند؛ ما را سوق دادند به سمت زندگی کسانی که دل و جان‌شان خالی بود از نور معنویت؛ در سبک زندگی، در کیفیت پوشش، در کیفیت راه رفتن، در کیفیت معاشرت‌ها و ارتباطات اجتماعی. اگر هم کسی به آنها اعتراض کرد، گفتند که دنیا امروز اینجوری است» (محفل انس با قرآن: ۱۳۹۲/۰۴/۱۹).

«انقلاب اسلامی ایران، قبل از هر چیز، یک انقلاب معنوی است. اگر این انقلاب که خود حاصل فداکاری‌ها و ایثارهای همه مردم، از جمله روحانیون و دانشگاهیان است توانسته باشد که مبشر و مبلغ معنویت و مروج آن در جامعه شود، به بخش عمده‌ای از اهداف خود دست یافته است. حضور و رسوخ معنویت، در جامعه به وضوح دیده می‌شود و در همه ابعاد آن، از جنگ که اولین مسأله است تا کارخانه، خانه، مدرسه و حتی در نحوه مصرف و راه و روش زندگی روزمره مردم به چشم می‌خورد. بدیهی است که هم در دانشگاه و هم در حوزه‌های علمیه، نباید جز این باشد.

خلاً معنویت، از آفات اجتماعی در رژیم گذشته بوده است. دانشگاه‌ها و حوزه‌ها برای دفع این آفت، در خود و در جامعه، نقش مهم و مسئولیت عمده بر عهده دارند» (پیام به مناسبت برگزاری سمینار هفته وحدت حوزه و دانشگاه: ۱۳۶۰/۰۹/۲۷).

ب) هدف‌مندی و هدف‌گرایی در سبک زندگی

«رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود. یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی‌گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم باشد، می‌تواند کاپیتالیسم باشد، می‌تواند کمونیسم باشد، می‌تواند فاشیسم باشد، می‌تواند هم توحید ناب باشد؛ بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسأله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد» (دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

«هم‌راستایی سبک زندگی با اهداف اسلامی این سند تحول باید ما را به سمت هدف‌های اسلامی حرکت دهد؛ باید جامعه را به سبک زندگی حقیقتاً اسلامی پیش ببرد؛ باید بتواند در ما خصلت‌های والای انسانی را به وجود بیاورد. ما امروز در خودمان، در خلیقات خودمان، در رفتار خودمان، نقائصی مشاهده می‌کنیم؛ این نقائص باید برطرف شود. استعداد بشری در جامعه ایرانی، یک استعداد انبوه و سرشار است؛ این استعداد باید امکان بروز پیدا کند، جهت صحیح پیدا کند. این سند تحول ناظر به یک چنین چیزی است» (دیدار با جمعی از فرهنگیان: ۱۳۹۲/۰۲/۱۸).

ج) جهادی بودن موضوع اصلاح سبک زندگی

«امروز یک حرکت عظیم تاریخی از درون جامعه ما به وجود آمده و الهام‌بخش مجموعه‌های بزرگ بشری شده؛ این یک واقعیت است. مواجهه انقلاب اسلامی با نظام سلطه بین‌المللی، ایستادگی در مقابل زورگویی‌ها، از سوی یک ملتی که

دویست سال یا بیشتر زیر بار زورگویی‌های دیگران بوده و برافراشتن پرچم آزادی و آزادگی در این کشور، چیز خیلی مهمی است همچنین جهاد بنای جامعه اسلامی، جهاد استحکام بخشیدن به ساخت قدرت ملی که ما مکرر رویش تکیه کردیم، جهاد اصلاح سبک زندگی - که عرض کردیم متن تمدن اسلامی این است و آنچه که در غیر از سبک زندگی بحث می‌کنیم، همه شکل‌ها و شیوه‌ها و اندازه‌گیری‌ها است - اینها هر کدام یک جهاد است؛ حضور در این جهاد از طریق شعر، باید مورد توجه قرار بگیرد» (بیانات در دیدار با شاعران: ۱۳۹۲/۰۵/۰۱).

د) سبک زندگی اسلامی و امنیت روانی و اخلاقی

جهت دیگری نیز که در اهمیت و ضرورت ایجاد سبک زندگی ملی مورد توجه است و جامعه هدف آن کسانی است که به تعالی اخروی و نیز پیشرفت ایرانی اسلامی باور کمتری دارند، بحث آسودگی و آسایش زندگی این جهانی است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن - اینها عبارة اخرای یکدیگر است - این یک بُعد مهم است؛ این موضوع را می‌خواهیم امروز یک قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسأله، مسأله اساسی و مهمی است» (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

هـ) فرهنگ جمع‌گرایی و مشارکت‌پذیری در سبک زندگی

«باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیب‌ها فهرستی مطرح می‌کنیم: چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به

اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البرّ و التّقوی» یا: «و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً». یعنی حتّی اعتصام به حبل اللّٰه هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «و لا تفرّقوا» (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

(و) توجه به پیوستگی کانون خانواده و فرهنگ زاد و ولد در سبک زندگی اسلامی ایرانی

«چرا در برخی از بخش‌های کشورمان طلاق زیاد است؟»

چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رایج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظایف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست. حد زاد و ولد در جامعه‌ی ما چیست؟ ماها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال. بعد حالا به ما گزارش میدهند که آقا جامعه‌ی ما در آینده‌ی نه چندان دوری، جامعه‌ی پیر خواهد شد؛ این چهره‌ی جوانی که امروز جامعه‌ی ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد. حد زاد و ولد چقدر است؟ چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه‌ی ما نفوذ کرده است؟ (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

(د) اهمیت روابط خانوادگی و اجتماعی در سبک زندگی اسلامی ایرانی

«چرا در روابط همسایگی‌مان رعایت‌های لازم را نمی‌کنیم؟ چرا صلّه رحم در بین ما ضعیف است؟ آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آنها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت می‌کنیم؟ آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرت‌های روزانه، به همدیگر به طور کامل راست می‌گوییم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر

حرف می‌زنیم؟ در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد می‌کنند؛ علت پرخاشگری و بی‌صبری و نابرداری در میان بعضی از ماها چیست؟ حقوق افراد را چقدر مراعات می‌کنیم؟ در رسانه‌ها چقدر مراعات می‌شود؟ در اینترنت چقدر مراعات می‌شود؟» (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

ح) پایبندی به قانون و قانون‌گرایی و توجه به فرهنگ رانندگی در سبک زندگی اسلامی ایرانی

«چقدر به قانون احترام می‌کنیم؟ علت قانون‌گریزی - که یک بیماری خطرناکی است - در برخی از مردم چیست؟» (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

«چرا در زمینه فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟ این آسیب است. رفت‌وآمد در خیابان، یکی از مسائل ماست؛ مسأله کوچکی هم نیست، مسأله اساسی است». (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

ط) توجه به معماری اسلامی و نقش تهران در الگوسازی در سبک زندگی اسلامی ایرانی

«نوع معماری در جامعه ما چگونه است؟ ببینید چقدر این مسائل متنوع و فراگیر همه بخش‌های زندگی، داخل در این مقوله سبک زندگی است؛ در این بخش اصلی و حقیقی و واقعی تمدن، که رفتارهای ماست. چقدر نوع معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟» (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

«اهمیت تهران را فراتر از یک کلانشهر دانستند و گفتند: تهران از یک طرف نماد آبادانی، صلاح، سعادت و سبک زندگی در کشور است و از طرف دیگر به عنوان الگو و خط‌دهنده برای شهرهای سراسر کشور، مطرح است....حقیقتاً معماری و نمای تهران، نمای یک شهر اسلامی نیست و شهرداری و شورای شهر باید این موضوع را جزء جدی‌ترین مسائل خود بدانند».

مقام معظم رهبری با اشاره به تأثیرگذاری معماری و نمای ساخت‌وسازها بر فضای سبک زندگی افزودند: «باید هرچه ممکن است، محیط زندگی شهر به گونه‌ای طراحی و ساخته شود که تحقق سبک زندگی اسلامی راحت‌تر امکان‌پذیر باشد» (دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر انقلاب: ۲۳/۱۰/۱۳۹۲).

مراکز فرهنگی شهرداری و لزوم توجه بسیار جدی به محتوای این مراکز فرهنگی، موضوع دیگری بود که رهبر انقلاب اسلامی آن را بیان کردند.

ی) توجه به فرهنگ پوشش در سبک زندگی اسلامی ایرانی

یکی از مهم‌ترین و نمایان‌ترین نمودهای سبک زندگی، طرز پوشش مردمان است. این قضیه آنگاه اهمیت می‌یابد که بدانیم طرز پوشش یکی از نمودهای بیرونی فرهنگ غالب و رایج در یک مملکت است. کسانی که قایل به این هستند که باید سبک زندگی را از لایه‌های بیرونی آن شروع کنیم یا اینکه قایلند برای نهادینه شدن سبک زندگی باید تمامی لایه‌های آن را هماهنگ و همسو جهت دهیم، نوع پوشش را مورد توجه و مذاقه قرار می‌دهند. معظم‌له در مورد اهمیت این مهم می‌فرمایند: «بنده زمان ریاست جمهوری در شورای عالی انقلاب فرهنگی قضیه طرح لباس ملی را مطرح کردم و گفتم بیایید یک لباس ملی درست کنیم... عرب‌ها لباس ملی خودشان را دارند، هندی‌ها لباس ملی خودشان را دارند، اندونزی یایی‌ها لباس ملی خودشان را دارند... من و شما که ایرانی هستیم، لباسمان چیست؟» مقام معظم رهبری عدم توجه به این حوزه را به عنوان چالش‌های نظام بیان می‌کنند:

«طراحی لباسمان چگونه؟ مسأله آرایش در بین مردان و زنان چگونه؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟» (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

ک) اهتمام به توانمندی و تولید داخلی در سبک زندگی

«بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار می‌گریزند؛ علت کارگریزی چیست؟ وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟ انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ محکم‌کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخش‌های مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا برخی از حرف‌های خوب، نظرهای خوب، ایده‌های خوب، در حد رؤیا و حرف باقی می‌ماند؟ که دیدید اشاره کردند. چرا به ما می‌گویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم است؟ هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد؛ چرا به قدر یک ساعت یا نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟» (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

ل) نفی مصرف‌گرایی و اهمیت ساده‌زیستی در سبک زندگی اسلامی

«چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟ مصرف‌گرایی یعنی اینکه ما هرچه گیر می‌آوریم، صرف امور کنیم که جزء ضروریات زندگی ما نیست.

چه کنیم که ریشه ربا در جامعه قطع شود؟ من اشاره کردم؛ یک تصمیم‌زمان‌دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت!» (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

«تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟» (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

«سال گذشته از مردم عزیزمان خواهش شد که تشریفات افطار را کم کنند، کمیت ضیافت‌شوندگان در افطار را افزایش بدهند؛ امسال در مراکز عمومی، در مراکز مقدس، در خیابان‌ها، در حسینیه‌ها، در جای جای کشور، خبرهایی که به ما رسید، نشان‌دهنده این بود که مردم همت کرده‌اند و این کار را توسعه

داده‌اند. توصیه این حقیر این است که اینجور چیزها را - که در شکل دادن به سبک زندگی اسلامی تأثیر می‌گذارد - هرچه بیشتر توسعه بدهید» (خطبه‌های نماز عید سعید فطر: ۱۳۹۳/۰۵/۰۷).

م) انتخاب شعار و کلیدواژه‌های سالانه در تعالی بخشی سبک زندگی

از نمودهای دیگر ترویج و گسترش سبک زندگی در لایه‌های عمیق‌تر آن می‌توان به شعارهایی اشاره کرد که در صدد ایجاد موج اجتماعی هستند. نامگذاری سال‌ها یکی از بهترین الگوهای ایجاد موج اجتماعی در قالب شعار سال است. این رویکرد موجب انگیزش اجتماعی توده‌ها، نیز انگیزش علمی نخبگان و انگیزش سیاسی سیاستمداران می‌شود. همسویی و هماهنگی نسبی این سه، لازمه نهادینه شدن شعار مطرح شده است.

شعارها و نام‌هایی که ایشان برای سال‌های شمسی برگزیده‌اند ناظر به باورها و ارزش‌ها برای نهادهای سبک زندگی ملی و شیعی است. انتخاب نام‌هایی همچون سال امام خمینی^(ره)، امیرالمؤمنین علیه‌السلام و پیامبر اعظم اسلام، مربوط به باورهای ایجادکننده سبک زندگی است. نام‌هایی همچون رفتار علوی اقتدار ملی و عزت و افتخار حسینی ارزش‌های ایجاد سبک زندگی را نشانه رفته‌اند. اما نام‌هایی همچون خدمتگزاری، پاسخگویی مسئولان نظام به مردم، همبستگی ملی و مشارکت عمومی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی، همت مظاعف و کار مضاعف، نوآوری و شکوفایی و جهاد اقتصادی و حمایت از تولید داخلی و کار و سرمایه ایرانی، لایه‌های بیرونی را، که همان لایه فرهنگی و اجتماعی ایجاد و گسترش سبک زندگی است، نشان می‌دهند.

۶) مأموریت صداوسیما در ترویج سبک زندگی

«امروز مهم‌ترین ابزار جنگ بین قدرت‌ها در دنیا، رسانه است. امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون و هنر و شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی و... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است. امروز دنیا، یک چنین دنیایی است. روزه‌روز

هم دارند این میدان را گسترش می‌دهند. من در آن جلسه به مدیرانمان عرض می‌کردم که امروز آرایش رسانه‌ای و فرهنگی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارد، بسیار آرایش پیچیده، متنوع، متکثر، کارآمد و فنی و پیشرفته است. صداوسیما یک تنه در مقابل این آرایش عظیم ایستاده و الحمدلله از عهده هم تا حالا برآمده است و من هم می‌خواهم به شما بگویم که تا حالا از عهده برآمده‌اید. شما ببینید برای این رادیوها و تلویزیون‌ها و این شبکه‌های اطلاع‌رسانی که هدفشان کشور ماست، چقدر سرمایه‌گذاری شده است. آنها چند برابر سرمایه‌گذاری که ما برای صداوسیما می‌کنیم، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. اگر آن‌طور که آنها پیش خودشان محاسبه کرده بودند پیش می‌رفت، امروز باید اثری از اسلام و ایمان و جمهوری اسلامی باقی نمانده باشد؛ چون فعالیت آنها مربوط به امروز و دیروز که نیست، بلکه آنها از روز اول پیروزی انقلاب کارشان شروع شد و بیست و پنج سال است که روزبه‌روز دارند کار خود را توسعه می‌دهند و شدت می‌بخشند. الحمدلله رسانه ملی ما به خودش پرداخته و واقعاً خودش را متناسب با حضور در این میدان، تا آنجا که می‌توانسته، حاضر یراق و آماده کرده و وارد میدان شده است؛ شما می‌توانید» (۲۸/۰۲/۱۳۸۳) بیانات پس از بازدید از سازمان صداوسیما).

«سازمان صداوسیما با مأموریت خطیر هدایت و مدیریت فرهنگ و افکار عمومی جامعه به مثابه دانشگاه عمومی، با تکیه بر فعالیت‌ها و برنامه‌های حرفه‌ای پیشرفته و عمیق رسانه‌ای، وظیفه گسترش دین و اخلاق و امید و آگاهی و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی در میان آحاد ملت را بر عهده دارد» (بیانات در انتصاب آقای محمد سرافراز به ریاست سازمان صداوسیما: ۱۳۹۳/۰۸/۱۷).

۷) نقش دانشگاه و حوزه علمیه در ترویج سبک زندگی اسلامی

«مسأله "سبک زندگی" - که بنده سال گذشته در سفر بجنورد آن را مطرح کردم و مورد استقبال هم قرار گرفت - مسأله مهمی است. بحث درباره مسائل سبک زندگی، اظهارنظر، موافقت، مخالفت، در مواد گوناگون؛ اینها بحث‌هایی است که

دانشگاه را زنده و بانشاط نگه می‌دارد. اینجور بحث‌های مهم و ناظر به واقعیت‌ها، خون در رگ‌های این پیکره عظیم جاری می‌کند» (دیدار با دانشجویان: ۱۳۹۲/۰۵/۰۶).

«امروز حوزه‌های علمیه وظیفه هدایت قشرهای گوناگون را در سطوح مختلف بر عهده دارند. البته من اعتقاد دارم که تبلیغ سنتی ما - که مسجد و منبر و سخنرانی روبه‌روست - بدیل ندارد؛ این را باید حفظ کنیم. این‌که شما بنشینید بایک نفر روبه‌رو صحبت کنید؛ نگاه شما به او بیفتد، نگاه او به شما بیفتد و نفس گرم شما به او برسد، این چیز خیلی خوبی است؛ این را باید حفظ کنیم؛ لیکن این کافی نیست. امروز وسایل تبلیغ نوشتاری و گفتاری به قدری متنوع و زیاد است که اگر روحانیت دین از این قافله عقب بماند، قطعاً یک خسارت بزرگ تاریخی برای او پیش خواهد آمد» (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۱).

۸) شاخص‌های راهبردی در حوزه راهبرد مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی

الف) نفی تقلیدگرایی از فرهنگ غربی در سبک زندگی

«برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگویی و تحمیل، تمدن غربی است. نه اینکه ما بنای دشمنی با غرب و ستیزه‌گری با غرب داشته باشیم - این حرف، ناشی از بررسی است - ستیزه‌گری و دشمنی احساساتی نیست. تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که به ظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده فرهنگ‌هاست. هرجا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجا که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان

آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. فرهنگ غربی فقط هواپیما و وسائل آسایش زندگی و وسائل سرعت و سهولت نیست؛ اینها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین‌کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سال‌های متمادی، یک چیزهائی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم» (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

ب) نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در سبک زندگی

«دنیا در یکی دو قرن اخیر، با بُروز پدیده ننگین و شوم استعمار و استکبار بین‌المللی، دچار آفت‌های بزرگی شد؛ مهم‌ترین این آفت‌ها نظام سلطه است. نظام سلطه به معنای آن است که در روی زمین، ملت‌ها به دو گروه تقسیم بشوند: یک گروه سلطه‌گر و یک گروه سلطه‌پذیر. دولت‌های استکباری عادت کرده‌اند که سلطه‌گری کنند، زور بگویند، در اقتصاد ملت‌ها، در فرهنگ ملت‌ها، در سیاست‌ورزی ملت‌ها، در تربیت ملت‌ها، در سبک زندگی ملت‌ها، از سر استکبار و سلطه‌طلبی دخالت کنند؛ همه‌چیز دنیا در اختیار آنها باشد» (دانشگاه امام حسین علیه‌السلام: ۱۳۹۳/۰۲/۳۱).

ج) نفی فرهنگ غربی در سبک زندگی اسلامی ایرانی

«در نهضت‌های بیداری اسلامی باید تجربه تلخ و دهشتناک تبعیت از غرب در سیاست و اخلاق و رفتار و سبک زندگی، مورد توجه دائم باشد. کشورهای مسلمان در بیش از یک قرن تبعیت از فرهنگ و سیاست دولت‌های مستکبر، به آفات مهلکی همچون وابستگی و ذلت سیاسی، فلاکت و فقر اقتصادی، سقوط فضیلت و اخلاق، عقب‌ماندگی خجلت‌آور علمی، دچار شدند و این در حالی بود

که امت اسلامی از سابقه‌ای افتخار انگیز در همه این عرصه‌ها برخوردار بود» (اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی: ۱۳۹۲/۰۲/۰۹).

د) جدایی علم و معنویت در سبک زندگی غربی

سبک زندگی برآمده از تمدن غربی، بر پایه ستیز با معنویت بنا نهاده شده و از این رو، تمامی ابعاد آن قربانی حذف معنویت و بی‌اعتنایی به ارزش‌های دینی شده است: «تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شده است... این تمدن مادی و دور از معنویت، هرچه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر می‌شود؛ هم خود آنها و هم همه بشریت را با میوه‌های زهرآگین خود تلخ کام می‌کند... پدیده استعمار... یکی از چیزهایی است که در نتیجه تفکیک علم از معنویت، سیاست از معنویت و دولت از اخلاق در اروپا اتفاق افتاد... ویران شدن خانواده، سراب فساد جنسی و طغیان سرمایه‌داری افراطی، همه نتایج همان تفکیک است. قدرت‌های ستمگر عالم، به خصوص در صد سال اخیر بر حذف معنویت و ارزش‌های والای انسانی در زندگی جوامع بشری پای فشرده‌اند و نتیجه آن، گسترش فسادهای اخلاقی و اعتیاد و بی‌بندوباری و ویرانی بنیان خانواده و نیز رشد استثمار و افزایش فاصله میان ملت‌های فقیر و غنی و دوری روزافزون از عدالت اجتماعی و بی‌اعتنایی به کرامت انسانی... گردیده است» (بیانات در مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۰۷).

هـ) عادی دانستن گناه در سبک زندگی غربی

سبک زندگی مادی شهوت‌آلوده، هویت‌زدا و ضد معنویت است: «یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی‌سازی گناه است؛ گناه‌های جنسی را عادی می‌کنند. امروز این وضعیت در خود غرب به وضاحت کشیده شده؛ اول در انگلیس، بعد هم در بعضی از کشورهای دیگر و آمریکا. این گناه بزرگِ همجنس‌بازی شده یک ارزش! به فلان سیاستمدار اعتراض می‌کنند که چرا او با همجنس‌بازی مخالف است، یا با همجنس‌بازها مخالف است! ببینید انحطاط اخلاقی به کجا می‌رسد! این، فرهنگ غربی است. همچنین فروپاشی خانواده،

گسترش مشروبات الکلی، گسترش مواد مخدر... باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت آلود گناه آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت» (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

۹) نتیجه‌گیری

پیشرفت همه‌جانبه در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی آنچنان که از بیانات مقام معظم رهبری قابل استنتاج است، مشتمل بر دو بخش ابزاری و متنی است. بخش ابزاری تمدن به تمامی ارزش‌های حوزه سخت‌افزاری پیشرفت کشور مرتبط می‌شود. در واقع مقولاتی مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ در حوزه بخش ابزاری تمدن قابل تعریف هستند، اما بخش حقیقی و محتوایی تمدن که به عبارتی همان بخش نرم‌افزاری تمدن به شمار می‌آید مشتمل بر تمامی حوزه‌های نظری و عملی سبک زندگی است. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، حتی با حصول همه پیشرفت‌های بخش سخت‌افزاری، نمی‌توانیم به رستگاری، امنیت و آرامش روانی نائل آییم؛ همچنان که دنیای غرب مصداق عملی از این واقعیت است.

بنابراین سبک زندگی به عنوان بخش اصلی، نرم‌افزاری و حقیقی تمدن نوین اسلامی از جایگاه راهبردی در تمدن‌سازی اسلامی برخوردار است. پس تمدن‌سازی نوین در این بخش مستلزم توجه ویژه است؛ چراکه بخش ابزاری و پیشرفت‌های علمی و... به تنهایی نمی‌تواند جامعه را به رستگاری برساند.

با توجه به جایگاه راهبردی مقوله سبک زندگی در تمدن‌سازی اسلامی همان طور که اشاره گردید، پرداختن به ابعاد و شاخص‌های راهبردی سبک زندگی به ویژه از دیدگاه مقام معظم رهبری ضرورتی اجتناب‌پذیر است که محقق ضمن فیش‌برداری از تمامی بیانات معظم‌له با رویکرد تحلیل محتوای اقدام به جمع‌آوری

این شاخص‌ها در ابعاد تعریف‌شده نموده است. الگوی ذیل نگاه اجمالی و کلیدواژه‌ای تلاش محقق را نمودار می‌سازد.



کتابنامه

- (۱) شکاری، ۱۳۸۹، ص ۵۳۸
- (۲) معین، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۸۱۸
- (۳) آریان پور، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳۷؛
- (۴) دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۳۴۱۲
- (۵) مهدوی کنی، محمدسعید؛ ۱۳۸۶

سایت *Khamenei.ir*